

# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۶

پایه سوم ۵ ساله  
پایه پنجم ۷ ساله

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	محل نام: ۹۰ دقیقه
شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد استان:	۲۹۵۱/۲۲
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۵
عنوان:	منطق ۱
کتاب:	دروس فی علم المنطق
موضوع:	از ابتدای کتاب تا ابتدای تصدیقات (ص ۹۲-۱۱)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد ملی: ..... مدرسه علی: ..... شهرتان: ..... استان: .....

## ۱- علم واهی چه نوع علمی است؟ ص ۱۴

- الف. هم ماده دارد و هم مقدار دارد. ☐
- ب. نه ماده دارد و نه مقدار دارد. ☒
- ج. ماده ندارد ولی مقدار دارد. ☐
- د. ماده دارد ولی مقدار ندارد. ☐

## ۲- عبارت «البحث عن الحجة من ناحية مادة قضایها» مربوط به کدام است؟ ص ۲۱ و ۲۲

- الف. هیئت تألیف ☐
- ب. مباحث کلی ☐
- ج. مباحث الفاظ ☐
- د. صناعات خمس ☒

## ۳- «دریا» به معنای انسان عالم و «مدینه» به معنای شهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ترتیب چه لفظهایی هستند؟ ص ۳۵ و ۳۶

- الف. مجاز - منقول ☒
- ب. منقول - مشترک ☐
- ج. منقول - مجاز ☐
- د. مجاز - مجاز ☐

## ۴- مفاهیم «سقراط» و «نماز ظهر» کلی هستند یا جزئی؟ ص ۴۵

- الف. کلی - کلی ☐
- ب. جزئی - جزئی ☐
- ج. جزئی - کلی ☒
- د. کلی - جزئی ☐

## ۵- عبارات «یطلب بها تصدیق بوجود الشیء» و «یطلب بها التصدیق بثبوت شیء لشیء» تعریف کدام است؟ ص ۷۰

- الف. هل مرکبه - هل بسیطه ☐
- ب. هل بسیطه - هل مرکبه ☒
- ج. هل - لم ☐
- د. لم - هل ☐

## ۶- «حرکت العقل من المجهول الى المعلومات» چه نام دارد؟ ص ۸۸

- الف. فکر ☐
- ب. دائریه ☐
- ج. راجعة ☐
- د. ذاهبة ☒

## ۷- تصدیق به چه جملاتی تعلق می گیرد و چرا جملات انشائی مورد تصدیق قرار نمی گیرند؟ ص ۱۶ - ۲ نمره

جواب: متعلق تصدیق، نسبت در جملات خبریه ایست که حکم به مطابقت یا عدم مطابقت آن با واقع می کنیم. (۱ نمره)

جملات انشایی چون واقعی ندارند لذا مطابقتی در آنها و رای کلام متصور نیست، لذا تصدیق ندارند. (۱ نمره)

## ۸- وجه حاجت منطقی به مباحث الفاظ را بنویسید. ص ۲۷ و ۳۲ - ۱ نمره

جواب: منطقی ذاتاً نیاز به الفاظ ندارد چون غرض اصلی او به معانی تعلق می گیرد ولی به خاطر تفاهم و نقل و انتقال افکار بین او و سایر مردم و نیز به خاطر ارتباط شدید به الفاظ و معانی نیاز به الفاظ و شناخت احوال الفاظ دارد.

۹- «دالات التزامی» را تعریف و رابطه آن را با «دالات مطابقی» بیان کنید. ص ۳۳ - ۲ نمره

۲

جواب: تعریف دالات التزامی: دالات کردن لفظ بر معنایی که بیرون از معنای موضوع له است ولی همیشه همراه معنای موضوع له می باشد.

بیان رابطه: دالات التزامی فرع بر دالات مطابقی است زیرا دالات کردن لفظ بر معنایی که بیرون از موضوع له است، متأخر از دالات کردن آن لفظ بر معنای موضوع له می باشد.

۱۰- نسبت تقابل در هر کدام از موارد زیر را بنویسید. ص ۳۹ و ۴۹ - ۲ نمره

۲

الف) زرد و آبی: جواب: ضدین

ب) علت و معلول: جواب: تضایف

ج) پرنده و غیر پرنده: جواب: نقیضین

د) علم و جهل: جواب: ملکه و عدم ملکه

۱۱- متواطی و مشکک را تعریف نموده و برای هر یک مثال بزنید. ص ۴۷ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر بین صدق مفهوم کلی بر افرادش هیچ تفاوتی نباشد مثل صدق مفهوم انسان بر حسن، علی و... به آن کلی متواطی می گویند.

و اگر در صدق مفهوم کلی بر افرادش تفاوت باشد به آن کلی مشکک می گویند. مثل مفهوم وجود یا سفیدی

۱۲- بین دو نقیض متباینین چه نسبتی برقرار است؟ با مثال توضیح دهید. ص ۵۳ - ۲ نمره

۲

جواب: نسبت تباین جزئی برقرار است. زیرا نقیض تباین کلی در برخی موارد تباین کلی می شود و در برخی موارد عموم خصوص من وجه می شود و این همان معنای تباین جزئی است. (۱ نمره) و مثال معدوم و موجود از موارد تباین کلی است که نقیض آن لا موجود و لا معدوم است و نسبت بین آن ها نیز تباین کلی است. (۰/۵ نمره) و در مثال انسان و حجر نقیض لا انسان و لا حجر می شود که بین این دو نسبت عموم خصوص من وجه بر قرار است. (۰/۵ نمره)

۱۳- حمل «هو هو» و حمل «ذو هو» را تعریف کرده، نام دیگر هر یک را نوشته و برای آن مثال بزنید. ص ۶۵ - ۲ نمره

۲

جواب: هو هو یا مواطاة: یعنی حملی که در آن ذات موضوع همان محمول باشد. مثل «الانسان ضاحک» و نیازی به اشتقاق نداریم.

ذو هو یا اشتقاق: یعنی حملی که در آن ذات موضوع متصف به محمول نمی شود. مثل «الانسان ضحک» بلکه باید یک مشتق از «ضحک» ساخته شود مثل «ضحاک» تا قابل حمل گردد و یا اینکه کلمه «ذو» به آن اضافه شود. مثل «الانسان ذو ضحک»

۱۴- «اطراد» و «انعکاس» که از شروط تعریف است را توضیح دهید و بیان نمایید که چرا تعریف انسان به حیوان متعلم صحیح نیست؟

ص ۷۳ - ۲ نمره

۲

جواب: اطراد یا مانع افراد بودن یعنی اینکه تعریف شامل افراد غیر معرف نشود و مانع از ورود غیر گردد. (۰/۷۵ نمره)

انعکاس یا جامع افراد بودن یعنی اینکه تعریف تمام افراد معرف را شامل شود و فردی خارج نماند. (۰/۷۵ نمره)

تعریف انسان به حیوان متعلم تعریف به اخص است که صحیح نمی باشد زیرا هر انسانی متعلم نیست. (۰/۵ نمره)

۱۵- عبارت «لا بد فی القسمة المنطقية من فرض جهة وحدة جامعة فی المقسم تشترك فیها الاقسام و اذا كانت مقومة للاقسام فلها

۲

ثلاث صور» را توضیح دهید و صور ثلاثة را نام برده به همراه مثال تعریف نمایید. ص ۸۴ - ۲ نمره

جواب: در تقسیم منطقی نیاز به فرض جهت وحدتی داریم که تمام اقسام را دربر می گیرد تا حمل مقسم بر اقسام صحیح باشد. (۰/۵ نمره)

ثلاث صور: ۱. اگر جهت جامع جنس باشد و جهت افتراق فصل، به این تقسیم تنوع و به اقسام انواع می گویند. مثل تقسیم کلمه به اسم، فعل، حرف (۰/۵ نمره) ۲. اگر جهت وحدت جنس یا نوع باشد و جهات افتراق عوارض عامه باشد مثل تقسیم اسم به مرفوع و منصوب و مجرور، به این تقسیم تصنیف و به اقسام اصناف می گویند. (۰/۵ نمره) ۳. اگر جهت جامع جنس یا نوع یا صنف باشد، جهت افتراق عوارض شخصیه ملحق به مصادیق مقسم باشد مثل تقسیم انسان به حسن، زید و... به این تقسیم تفرید می گویند. (۰/۵ نمره)